

شخصیت زن در ادبیات مقاومت لبنان (موردپژوهی رمان *الوصول*)

نرگس انصاری*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)
(از ص ۱۶۱ تا ۱۷۸)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۵

چکیده

الوصول اثر نویسنده معاصر لبنانی، عبدالقدوس امین به‌عنوان یکی از آثار شاخص در حوزه مقاومت به انعکاس زندگی «أم یاسر»، یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار در جبهه مقاومت می‌پردازد. این اثر به دنبال معرفی چهره واقعی زن مسلمان به جامعه اسلامی است. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-حلیلی ضمن معرفی اثر به جامعه ادبی، سعی در واکاوی شخصیت ارائه شده از قهرمان را دارد. شخصیتی چندبعدی که در زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی نمونه یک زن موفق است و نویسنده به خوبی با چینش منسجم حوادث، سیر تحولی و رو به کمال شخصیت را به تصویر می‌کشد. بررسی کتاب، نشان می‌دهد نویسنده با معنای محوری، خود را در قید ساختار روایت نویسی قرار نداده و سبک نگارش او بین خاطره نویسی و رمان نویسی در نوسان است. او در ترسیم شخصیت قهرمان خود، با تمرکز بر جریان مقاومت، بیشتر به تبیین این بعد از شخصیت أم یاسر پرداخته، هرچند از شاخصه‌های فردی و معنوی او نیز غافل نمانده است و از پشتوانه‌ها و زمینه‌های فکری و تربیتی او نیز سخن می‌گوید.

واژه‌های کلیدی: ادبیات پایداری، رمان مقاومت، ادبیات داستانی لبنان، عبدالقدوس‌الأمین، الوصول.

۱. مقدمه

ادبیات مقاومت به‌عنوان شاخه‌ای از ادبیات متعهد، در راستای رسالت خود به دنبال نشر فرهنگ جهاد و پایداری در عرصه‌های مختلف زندگی است. این ادبیات با معنای محوری خود از ظرفیت‌های ادبی زبان نیز بهره می‌گیرد تا پیام خود را در قالبی جذاب و زیبا به مخاطب برساند. در این میان زنان به‌عنوان بخشی تأثیرگذار از جامعه بشری، گاه خود خالق بخشی از ادبیات پایداری بوده و گاه به‌واسطه الگو بودن خود، موضوع این آثار می‌شوند. علی‌رغم این نقش برجسته، کمتر اثری را می‌توان یافت که حضور زنان را در حوزه ادبیات پایداری اعم از منظوم و منشور مورد تحلیل قرار داده باشد. آثار معدود موجود نیز اغلب با رویکرد ساختاری به دنبال ترسیم هنر نویسندگی ادیب در مباحث زبانی و زیبایی‌شناسانه بوده‌اند. کتاب رمان *گونه الوصول*، نوشته عبدالقدوس الأمين نویسنده لبنانی، توسط الرابطة اللبنانية الثقافية در انتشارات دارالولاء به چاپ رسیده و در سه فصل و ۴۰ عنوان کوتاه تنظیم گردیده است. این عناوین همچون داستان‌های کوتاه اما به هم پیوسته، چارچوب واحدی به روند حوادث بخشیده است. این کتاب اثری است در نوع خود کم‌نظیر که نویسنده با گزینش سبک بینابین و استفاده از ظرفیت شرح حال نویسی و رمان، ترسیم شخصیت اصلی زن داستان را در اولویت قرار داده و در عین حال از زیبایی‌های زبانی نیز برای جذابیت متن بهره برده است. اندک آثار او نشان از گرایش و تعهدش نسبت به ارزشهای جهادی در لبنان و جبهه مقاومت اسلامی دارد. او با زبان ادبی رسالت نشر فرهنگ مقاومت را به دوش کشیده است. عدم پایبندی به تمام عناصر داستان‌نویسی در کتاب نشان می‌دهد زبان برای نویسنده در اولویت دوم، و هدف اصلی او انتقال پیام است هرچند از ادبیت متن نیز غافل نمی‌شود. *الوصول* به‌عنوان یکی از آثار معاصر، روایتگر بخشی از زندگی یکی از شخصیت‌های حاضر در جبهه مقاومت اسلامی لبنان است. سهام محمد الموسوی معروف به أم یاسر، همسر سید عباس موسوی دبیرکل حزب الله، از زنان شاخص و تأثیرگذار در تاریخ مقاومت لبنان است که نویسنده او را به‌عنوان یک زن موفق و فعال در زمینه‌های فردی و اجتماعی و سیاسی و حتی نظامی معرفی می‌کند. این کتاب در راستای معرفی زنان جهادگری نگاشته می‌شود که مقاومت را یاری کرده و نقش بی‌بدیل زنان را در رویارویی با اشغالگران صهیونیست به تصویر کشیده است. داستان در قالب سه فصل و بخش‌های مجزا و در عین حال منسجم و به هم پیوسته ارائه شده است. اگرچه به قول خود نویسنده کتاب از

خشکی شرح حال نویسی فاصله گرفته درعین حال رمان صرف نیز نیست؛ چراکه از تمام تکنیک‌های رمان نویسی بهره نبرده است؛ اما از زیبایی‌های فنی خالی نیست. سبک نویسنده در اثر، ادبی است. در صحنه‌پردازی روایت، به خوبی از قوه خیال استفاده و خواننده را در سیری منطقی و منسجم از آغاز تا پایان داستان با خود همراه می‌سازد. این زبان ادبی بی‌شک بر تأثیرگذاری اثر افزوده، آن را از خاطره نویسی و تاریخ نویسی دور می‌کند؛ از این رو مقاله حاضر تلاش دارد در راستای هدف نویسنده با رویکرد محتوایی به واکاوی زندگی شخصیت اصلی اثر یعنی ام یاسر بپردازد تا روشن کند مهمترین شاخصه‌های رفتاری شخصیت قهرمان داستان چگونه در ابعاد فردی و یا اجتماعی به خصوص جریان مقاومت اسلامی بروز و ظهور یافته است؟ اگر چه تمرکز پژوهش حاضر بر تحلیل محتوایی است اما در ضمن آن به صورت مختصر به ساختار روایت و شخصیت‌پردازی نویسنده نیز اشاراتی می‌شود؛ زیرا این امر خود مجال دیگری برای پژوهش می‌طلبد.

در حوزه ادبیات مقاومت، آثار و تألیفات متعددی اعم از مقاله و کتاب نگاشته شده که به صورت تبیین مبانی و موردپژوهی آثار ادبی در مناطق مختلف چون فلسطین، عراق، افغانستان ارائه شده است. اغلب آثار در حوزه شعر پایداری بوده و نثر پایداری کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. در حوزه ادبیات پایداری لبنان، در سطح کلی می‌توان به کتاب *مقاومت اسلامی لبنان از سلاح تا قلم* اثر مریم کیانی و اکرم روشنفکر چاپ کتیبه گیل اشاره کرد. در خصوص بررسی موردی آثار نیز مجموعه *قلم رصاص* که برخی از داستانهای کوتاه آن متعلق به عبدالقدوس الامین است، در چند پایان‌نامه و مقاله مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله مقاله «نقش زنان در ادبیات پایداری لبنان با محوریت داستانهای *قلم رصاص*» که سال ۹۴ در کنفرانس جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی ارائه شده است. پایان‌نامه «جلوه‌های رمانتیسیم در مجموعه داستانی *قلم رصاص*» فاطمه ملاجعفر که سال ۹۳ در دانشگاه شهید بهشتی دفاع شده است. پایان‌نامه «بررسی ویژگی‌های ادبیات مقاومت لبنان با تکیه بر مجموعه داستانی *قلم رصاص*» که سال ۹۰ در دانشگاه گیلان دفاع شده است، اما در مورد رمان *الوصول* این نویسنده، در ایران کاری انجام نشده است.

۲. بحث نظری پژوهش

۲-۱. ادبیات پایداری در لبنان

در تعریف ادبیات پایداری گفته‌اند: این ادبیات «دربردارنده آثار ادبی‌ای است که از لحاظ مضمون و غایت، مخاطب خود را به پایداری در برابر دشمن فرا می‌خواند و در ذات آن حقیقت‌خواهی و امید به آینده همواره فراروی خالق اثر وجود دارد» (رحماندوست، ۱۳۷۹: ۴۶۶)؛ لذا معنای محوری یکی از ویژگی‌های بارز ادبیات پایداری است، اما داشتن هدف متعالی و انسان‌ساز بودن ادبیات، نویسنده را از زبان بلیغ غافل نمی‌کند؛ بلکه او را وامی‌دارد تا با اختیار سبکی نیکو تأثیرکلامش را بر مخاطب بیافزاید. هدف این دیدگاه بیان واقعیت موجود است. ادیب از ظرفیت‌های موجود در ادبیت متن و زبان آن در جهت هدف خود یعنی انتقال پیام و معنی بهره می‌گیرد. در این متون، ایدئولوژی پنهان در الفاظ زیبا مقصود ادیب است. عوامل مختلفی چون استقلال کشورهای عربی، مسئله فلسطین، جنبش‌های انقلابی، چالش‌های ایدئولوژی، تحول اجتماعی فرهنگی و تحول ادبی و ... موجب شکل‌گیری ادبیات پایداری در کشورهای عربی گردیده است (ر.ک: ابوحاقه، ۱۹۷۹: ۲۹۱-۳۵۲). عزالدین اسماعیل با رد اینکه ادبیات مقاومت ادبیاتی منحصر به فرد و تافته جدا بافته از دیگر آثار ادبی است، آن را حاصل روح بشر در زمان گذشته و حال و آینده می‌داند (اسماعیل، ۱۹۶۹: ۱۷-۱۸). بیشترین آثار عربی در حوزه پایداری در فلسطین شکل گرفته است. لبنان نیز به واسطه شرایط سیاسی و شکل‌گیری جبهه مقاومت به‌عنوان یکی از خاستگاه‌های ادبیات مقاومت در جهان عرب است.

در حوزه روایت پایداری لبنان، آثار متعددی در دسترس نیست. عزالدین اسماعیل نیز معتقد است «جنبه روایی در ادبیات مقاومت همچنان ضعیف بوده و توجه چندانی به آن نشده است» (اسماعیل، ۱۹۶۹: ۱۳۰). مجموعه داستان‌های کوتاه قلم رصاص یکی از اندک آثار در این زمینه است که مقاومت مبارزان لبنانی را در برابر رژیم صهیونیستی به تصویر کشیده است. موضوع این مجموعه «بیانگر فرهنگ مقاومت و وجدان بیدار کسانی است که از زمان شکل‌گیری مقاومت اسلامی لبنان از ۱۹۸۲ تا ۲۰۰۶ در برابر رژیم صهیونیستی ایستادند» (نصیحت، ۱۳۹۱: ۴۸). این مجموعه به زبان فارسی ترجمه و در سال ۱۳۸۹ برگزیده جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران شد. جلد دوازدهم این مجموعه در دسترس است که با عنوان *ریسمانی از جنس دل* شامل ده داستان کوتاه بوده و اولین اثر نویسنده به شمار می‌آید و نیز مجموعه سیاه و سپید. با توجه به

عدم شناخت این آثار و نویسندگان در ایران ضرورت دارد با ترجمه آثار و معرفی آنها، ذخایر ادبی دیگر ملل نیز در دسترس محققان قرار گیرد.

۲-۲. زن در جامعه لبنان

با توجه به هدف پژوهش یعنی نشان دادن شخصیت واقعی زن لبنانی و زن مبارز ضروری به نظر می‌رسد تبیینی مختصر درباره وضعیت زنان جامعه لبنان صورت گیرد تا با شناخت این جایگاه، ابعاد شخصیت قهرمان نمود بیشتری یابد. علی‌رغم جایگاه زن و تأثیرگذاری او در جامعه و اهمیت این قشر در تربیت نسلهای بشری، تاریخ همواره گواه بی‌توجهی و نادیده گرفته شدن حقوق زنان بوده است. «انسانیت زن در گذشته از بین رفته، ارزشی نزد مردان نداشت. زنان نقشی اساسی در زندگی ایفا نمی‌کردند. تاریخ مسیحیت، هندو و عرب نشان می‌دهد زنان در گذشته خوار و ذلیل و از حقوق فردی و اقتصادی محروم بودند» (ابن عبدالعزیز، د.ت: ۵۳۶)؛ البته امروزه وضعیت زنان تغییرات بسیاری کرده است، اما همچنان در برخی کشورهای عربی چون عربستان وضعیت زنان نامساعد است (ر.ک: موحدی، ۲۰۰۶: ۱۴). این شرایط در کشورهای مختلف عربی با توجه به اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، متمایز از یکدیگر است. «زنان لبنان در زمینه‌های مختلف اجتماعی نقش بسیار فعالی داشته، تعداد قابل توجهی از جمعیت‌های زنان لبنان، در فعالیتهای اجتماعی فعال هستند» (ندا، ۱۳۷۵: ۵۴). حضور اجتماعی زنان لبنان به اوایل سده ۱۹ میلادی باز می‌گردد (ملابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۰۸). حوزه ادبیات نیز از حضور زنان خالی نبوده، اصلاح‌طلبی زنان در لبنان در انجمن‌های علمی- ادبی و... شکل گرفته، در نتیجه فعالیت بانوان در چاپ روزنامه و مجلات صورت ادبی به خود گرفته و از این طریق بیداری زنان وارد حوزه ادبیات نیز گردید (خطیب، ۱۹۹۶: ۱۱). ماندگارترین شکل حضور زنان لبنانی در عرصه ادبی تحقق یافت، سالهای ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۰ ظرفیت مناسبی را برای این امر به وجود آورد (ملابراهیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۳)؛ زیرا لبنان یکی از کشورهای عربی پیشرو در حوزه‌های مختلف از جمله ادبیات بوده است. عفاف حکیم به تأثیر فوق‌العاده انقلاب اسلامی و وضعیت زنان پس از انقلاب در لبنان اشاره دارد، امری که موجب تحولات روحی و معنوی زنان این کشور شد. ایستادگی در برابر ظالم اشغالگر، جهاد و مسئولیت‌پذیری از شاخصه‌هایی است که زنان لبنان با پیروزی انقلاب اسلامی، بدان روی آوردند (ر.ک: حکیم، ۱۴۰۶: ۱۷-۱۹). «با پیروزی انقلاب اسلامی علاقه زنان به مشارکت در انتخابات، پشتیبانی از مقاومت اسلامی افزایش یافت» (ندا، ۱۳۷۵: ۵۴). یکی از آثار مطرح شدن زنان برجسته در جامعه، پویا شدن قشر زنان و الگودهی به نسل

جوان است. زنان شاخصی که مقاومت آنان در عرصه‌های مختلف می‌تواند در خلق ادبیات فاخر مربوط به حوزه زنان نیز مؤثر باشد امری که در جهان عرب کمتر با آن روبه‌رو هستیم. رمان الوصول را می‌تواند یکی از معدود آثار در حوزه مقاومت و زنان به شمار آورد.

۳. بحث تطبیقی پژوهش: شخصیت زن در الوصول

الوصول روایتگر زندگی شخصیت أم یاسر همسر سید عباس موسوی دبیرکل سابق حزب‌الله است. شروع داستان از میانه زندگی سهام یعنی از زمان ازدواج و ترک لبنان و سفر به عراق آغاز می‌شود، اگرچه نویسنده با تکنیک جریان سیال ذهن، به گذشته رفته تا پایه‌های شخصیتی او را در خانواده واکاوی کند. وقتی که نویسنده در حال روایت سفر شخصیت به عراق در زمان حال است با پس‌نگری به دوران کودکی او باز می‌گردد و در چند عنوان از گذشته و دوران کودکی او سخن می‌گوید. روند حوادث این برهه از زندگی أم یاسر، تصویرگر ابعاد مختلفی از زندگی و شخصیت اوست. نویسنده با ایجاد زمان‌پرسی، نظم داستان را متفاوت از نظم متن قرار می‌دهد و با پس‌نگری به زمان قبل از ازدواج، بخشی از اثر را در گذشته روایت می‌کند.

داستان از میانه زندگی شخصیت یعنی زمان بعد از ازدواج و مهاجرت او به عراق به همراه همسرش شروع می‌شود. نویسنده ضمن بازگشت به گذشته و مرور خاطرات زندگی کودکی و نوجوانی، ادامه مسیر را در عراق و فعالیت‌های مختلف أم یاسر در زندگی فردی و اجتماعی به تصویر می‌کشد. او پس از بیان سختی‌ها و چالش‌های زندگی أم یاسر در خانواده و محیط عراق به زمینه‌آشنایی او با بنت الهدی می‌پردازد و به این وسیله وارد فعالیت‌های سیاسی و حتی نظامی أم یاسر در عرصه مقاومت اسلامی می‌شود. نویسنده در ادامه با بیان وضعیت سیاسی نامساعد عراق از بازگشت دوباره شخصیت به لبنان و شدت گرفتن فعالیت‌های او در کنار همسرش سخن می‌گوید که سرانجام به شهادت هر دوی آنها می‌انجامد.

ارتباط با خداوند و تعبد، نظم و برنامه‌ریزی در زندگی، اشتیاق وافر به مطالعه و کسب معرفت، صبر در برابر سختی‌ها از جمله ویژگی‌های أم یاسر در زندگی فردی است. در بعد خانوادگی نیز با ایفای دو وظیفه مهم همسری و مادری، نمونه یک زن موفق در زندگی است. ویژگی‌هایی که در حیات بزرگانی چون حضرت زهرا(س) حضرت زینب(س) و دیگران بارز بوده است. «همراهی در تبلیغ رسالت و نشر اسلام، حضور در

جبهه‌های نبرد، یاری مستضعفان، حرکت به دنبال رهبر، دعوت به یاری دین خدا، دفاع از دین و مکتب و رهبری» (مرادی، ۱۳۸۴: ۸۷)، از جمله این مؤلفه‌هاست. نوع شخصیتی که نویسنده در طول داستان ترسیم می‌کند، شخصیتی جامع است؛ شخصیتی که «هم پیچیده است و هم تکامل یافته» (ریمون-کنان، ۱۳۸۷: ۵۸). شخصیت أم یاسر در سیر حوادث داستان دچار تحول شده و ابعاد مختلف آن شکل می‌گیرد؛ لذا این شخصیت را می‌توان از نظر روایت‌شناسی، پویا برشمرد. ابعاد مختلفی که نویسنده از أم یاسر ترسیم می‌کند، از او شخصیتی چندبعدی ساخته است. باید افزود در این روایت، اگرچه سهام به‌عنوان شخصیت اصلی داستان مطرح است، اما همراهی او با سید، او را به شخصیتی مکمل بدل می‌کند. نویسنده برای پیشبرد حوادث از شخصیت‌های فرعی دیگری نیز چون پدر و مادر و فرزندان و نیز دوستان و آشنایان سهام و ... بهره می‌گیرد.

۳-۱. ویژگی‌های فردی

تبیین ابعاد مختلف شخصیت أم یاسر در داستان اغلب با شیوه مستقیم صورت می‌گیرد. «شخصیت، دو شاخص متنی بنیادین دارد. توصیف مستقیم و توصیف غیرمستقیم. در تعریف مستقیم، خصلت شخصیت با یک صفت، اسم معنی و... معرفی می‌شود و در توصیف غیر مستقیم، هیچ‌ذکری از خصلت به میان نمی‌آید؛ بلکه به طرق مختلف نمایش و تشریح می‌شود» (همان: ۸۳). روش‌هایی چون کنش، گفتار، وضعیت ظاهری و...، غلبه صراحت‌گویی نویسنده در شخصیت‌پردازی، اثر او را تاحدی از ساختارهای رمان‌نویسی دور کرده است. از جمله ویژگی‌ها و شاخصه‌های بارز شخصیت در حوزه فردی که در داستان به وفور بدان اشاره شده است و در ادامه با نمونه متن مورد بررسی دقیق قرار می‌گیرد، عبارت است از: علاقه به مطالعه و کسب علم، صبر و بردباری و تقوی و تعبد.

علم‌آموزی و کسب معرفت و علاقه وافر به مطالعه و تحصیل علوم از ویژگی‌هایی است که نویسنده در دوره‌های مختلف زندگی أم یاسر به تصویر می‌کشد. سهام شیفته یادگیری است. این خصوصیت از او فردی متمایز در جامعه خود ساخته است. او در مدت اقامت در عراق و میان روزمرگی زنان جامعه، خود و آرمانهایش را متفاوت از آنها می‌بیند: «مُنْدَ الْأَشْهُرِ الْأُولَى أَقْرَّتْ جَاذِمَةً أَنَّ هَذَا لَيْسَ مَا تَرِيدُ، مَا تَرِيدُهُ هُوَ مَرِيدٌ مِنَ الْمَعْرِفَةِ، مَعْرِفَةٌ فِي أَيِّ الْجَاهِ مُمَكِّنٌ، أَنْ تَعْرِفَ. كُلُّ جَارِحَةٍ فِي سَهَامٍ تَرِيدُ ذَلِكَ. فَكَيْفَ لَهَا أَنْ تُقَارَنَ بَيْنَ اِهْتِمَامَاتِهَا وَاهْتِمَامَاتِ زَائِرَاتِهَا مِنَ النِّسَاءِ...» (امین، ۲۰۰۰: ۱۰۹). فرصت‌شناسی برای استفاده

از زمان موجب می‌شود تا کتاب همراه همیشگی او در تمام لحظات زندگی شود حتی زمانی که به کارهای خانه‌داری مشغول است به خوبی از فرصت‌ها برای آموختن استفاده می‌کند: «عَلَى الْأَرْجُوحةِ كَانَتْ تَحْمِلُ الْكِتَابَ، وَإِنْ ضَاقَ الْوَقْتُ يَكُونُ الْكِتَابُ فِي الْمَطْبَخِ مُسْتَعْلَةً الدَّقَائِقِ الْفَاصِلَةَ بَيْنَ عَمَلٍ وَآخَرَ. تَرَاهَا تُرَدِّدُ قَوَاعِدَ فِقْهِيَّةً أَوْ لُغَوِيَّةً وَهِيَ تَسِيرُ فِي الدَّهْلِيْزِ وَأَرْضِ الدَّارِ... (همان: ۱۱۳). کتاب مهم‌ترین اولویت سهام تلقی می‌شود تا آنجا که شرایط دشوار اقتصادی نیز مانع تهیه کتب مورد نیاز او نمی‌گردد. سید نیز نه تنها مانعی برایش نیست؛ بلکه بهترین همراه سهام در علم‌آموزی است: «وَانشَغَلت سهام بِمُضَاعَفَةِ الْقِرَاءَاتِ، أَصْبَحَ لَهَا مَكْتَبَةٌ مُسْتَقَلَّةٌ وَمَا طَلَبَتْ مِنَ السَّيِّدِ كِتَابًا، إِلَّا وَجَاءَ بِهِ، زُغَمَ الظُّرُوفِ الْمَادِيَةِ الصَّعْبَةِ، فَالْكِتَابُ عِنْدَهُمَا مَعًا أَوْلَى مِنْ كُلِّ شَيْءٍ» (همان: ۱۲۰).

او با تأسیس حوزه خواهران و ترغیب زنان به مطالعه، مرحله دیگری را آغاز می‌کند. ضرورت تعامل با اقشار جامعه باعث افزایش فعالیت‌های مطالعاتی او می‌شود: «فَقَد تَضَاعَفَ الدَّرْسُ وَتَنَوَّعَتِ الْمَطَالَعَاتُ وَاشْتَدَّ الْعَمَلُ وَالتَّشَاطُ الدَّوْبُ» (همان: ۱۴۳)، در حالی که در زندگی خانوادگی باید وظایف همسری و مادری خود را نیز انجام دهد. او هرگز از وظیفه خود به‌ویژه وظیفه مادری غافل نمی‌شود و با برنامه‌ریزی دقیق بین علائق و وظایف خود هماهنگی برقرار می‌کند: «و هِيَ تُمَارِسُ أَمُومَتَهَا بِكُلِّ شَعْفٍ، تَقْرَأُ فِي الصَّحَّةِ وَالْحِمَايَةِ تَسْتَشِيرُ وَتَبْحَثُ فِي أَدَقِّ التَّفَاصِيلِ كُلَّمَا ضَاقَ وَقْتُهَا أَعَادَتْ تَنْظِيمَهُ». در دشوارترین شرایط زندگی حتی بیماری فرزند، مطالعه را رها نمی‌کند و آن را جزئی از برنامه خود قرار می‌دهد: «هِيَ قَادِرَةٌ حَتَّى عَلَى الْقِرَاءَةِ بِالرَّغْمِ مِنْ هَذِهِ الظُّرُوفِ الصَّعْبَةِ الَّتِي يَضَعُهَا فِيهَا وَجُودُ وَلَدِهَا مُحَمَّدٍ بِحَالَتِهِ تَلِكُ» (همان: ۲۳۱).

اشتیاق به مطالعه موجب می‌شود پس از بازگشت از نجف و سکونت در لبنان بار دیگر در اندیشه تأسیس حوزه خواهران در محل اقامت خود شود و زمینه را برای کسب علم و معرفت خود و دیگران فراهم کند. در تمام این امور جز با برنامه‌ریزی توفیقی نمی‌یابد: «بَعْدَ عَوْدَتِهَا بِأَيَّامِ بَدَأَتْ بِتَنْظِيمِ دَارِهَا وَ وَقْتُهَا أَعَدَّتْ لِدَفَاتِرِهَا وَالْكِتَابِ مَكَانًا فِي الصَّدَارَةِ» (همان: ۱۷۲). با تلاش‌های مجدانه ام یاسر زنان نیز ترغیب به فراگیری علم می‌شوند. او به خوبی به نیاز این قشر جامعه به معرفت و دانش آگاه است و دریافته که زنان در جامعه، شیفته یادگیری هستند، اما همواره تحصیل علوم در انحصار مردان بوده و دوری زنان از علم و معرفت آنان را به پوچی و جهالت سوق داده است: «فَهؤَلَاءِ النِّسَاءِ

عَطْشَاتٌ، لَمْ يَكُنْ مُقْصِرَاتٍ، إِنَّمَا هُوَ قُصُورٌ فِي مَجْتَمَعَاتٍ قَلَّ فِيهَا التَّبْلِيغُ وَالتَّعْلِيمُ» (همان: ۱۸۲). عزم جدی سهام در علم‌آموزی موجب برجستگی یکی دیگر از شاخصه‌های فردی او، یعنی نظم و انضباط و برنامه‌ریزی می‌شود. اولین زمینه‌های معرفت‌جویی سهام، در سفر به عراق و ارتباط نزدیک با اهل بیت و علاقه وافر او به امیرالمومنین^(ع) شکل می‌گیرد. سفری که بعد معنوی و تربیت روحی شخصیت او را پایه‌ریزی می‌کند و او را در مقابل سختی‌ها مقاوم می‌سازد. نویسنده در ترسیم این بعد از شخصیت ام یاسر، با رخنه به درون، ذهنیت شخصیت و باورهای او را به تصویر می‌کشد. در این بخش نیز توصیف مستقیم نویسنده بر سبک روایتگری او غلبه دارد، هرچند گاه با نمایش مناجات‌های ام یاسر با خداوند، راز و نیازهای شبانه، از روش غیرمستقیم کنش و گفتار بهره می‌گیرد. او با بیان عاطفه عمیق و عبارات سرشار از معنویت ام یاسر، اجازه می‌دهد تا خواننده به عمق رابطه او با خدا پی برد.

تعبد و بندگی و تقوی در جریان حوادث زندگی در وجود ام یاسر رشد کرده، از او شخصیتی تکامل یافته می‌سازد. شدت اشتیاق به قرب الهی، او را در مسیر سیر و سلوک قرار می‌دهد تا شخصیت معنوی خود را شکل دهد. در این مسیر مشکلات نه تنها مانعی در سیر عارفانه‌اش نیست؛ بلکه انگیزه قوی‌تری برای حرکت فراهم می‌سازد: «لَقَدْ تَدَوَّقْتُ طَعْمَ التَّقَرُّبِ إِلَيْهِ وَوَلَسْتُ بِكُلِّ جَوَاحِهَا تِلْكَ النَّائِجِ الْبَاهِرَةِ الْغَدَّةَ، تَقْتَرِبُ وَتَزْدَادُ تَعَلُّقًا لَتَزْدَادَ طَمَعًا بِالْاِقْتِرَابِ وَالْوَصُولِ» (همان: ۱۴۴). عبادت و شب زنده‌داری ام یاسر، نمود تلاش و جهاد اکبر او در تربیت شخصیت معنوی خویش است. او تعلیم را با تهذیب نفس همراه ساخته و آموخته‌های دینی خود را در عمل به کار می‌گیرد و مناجات با مبدأ هستی و منبع قدرت مطلق را آرامش بخش خود می‌داند: «يَسْرَبُ صَوْتُ أُنْيُنِهَا مِنْ تَحْتِ الْأَبْوَابِ الْمَغْلَقَةِ وَامِ يَاسِرٍ فِي أُنْيُنِهَا الْخَافِ غَارِقَةٌ فِي سُجُودِهَا، يَذْهَبُونَ وَيَعُودُونَ وَامِ يَاسِرٍ سَاجِدَةٌ... غَائِبَةٌ فِي سُجُودِهَا فِي مَنَاجِحِهَا وَابْتِكَاءِ، فِي دَعَائِهَا الطَّوِيلِ...» (همان: ۲۰۶). در برابر عطا و بخشش الهی، حق شکر را بجا آورده؛ چراکه به خوبی می‌داند بِالشُّكْرِ تَدْوُمُ النِّعَمِ (همان: ۲۰۸). از نگاه ام یاسر نشانه سپاسگزاری بنده، پرهیز از شبهات و رعایت تقواست؛ لذا خود نیز به- شدت بر آن محافظت و مراقبت می‌کند: «تَخَافُ وَتَحَذَرُ تَتَّقِي فِي أَمَاكِنِ الشُّبُهَةِ حَتَّى فِي الشُّكِّ الْقَلِيلِ هِيَ تَخَافُ، بَتَلِكَ التَّقْوَى تَنْزُلُ الْبَرَكَاتِ وَتَفِيضُ... بِالتَّقْوَى يَكُونُ الشُّكْرُ» (همان: ۲۰۸).

از دیگر مشخصه‌های رفتاری أم یاسر که نشان‌دهنده شخصیت مقاوم و تربیت‌شده اوست، صبوری بر سختی‌ها و مشکلات خانوادگی و اقتصادی است. او در بدترین شرایط، صبر پیشه می‌کند و آن را بر خود دشوار نمی‌بیند، این استقامت، به قدرت ایمان و عشق او به همسر و خانواده شکل می‌گیرد: «فالأحوال مَهْمَا تَقَلَّبْتَ سِوَاءَ عِنْدَهَا، وَإِنْ ضَاقَ الْحَالُ فَهِيَ وَاثِقَةٌ أَنَّ هَذَا زَائِلٌ وَمُتَعَيِّرٌ وَلَا يَجْدُ صُعُوبَةً فِي الصَّبْرِ عَلَيْهِ قَدْ يَشْتَدُّ الْفَقْرُ وَيَنْفَدُ كُلُّ مَا لَدَيْهَا وَلَا يَعُودُ يَدْخُلُ الْمَنْزَلَ حَتَّى الْبَسِيرُ مِنَ الْمَالِ لِقَتْرَةٍ قَدْ تَطَوَّلَتْ...» (همان: ۲۱۲). قدرت و توان تحمل مشکلات در أم یاسر بدان حد است که اگرچه سید در ابتدای مهاجرت به عراق و آگاهی از دشواری‌های زندگی بیم داشت که او نتواند تحمل سختی‌ها را داشته باشد و سعی می‌کرد تا حدامکان او را از سختی دورنگه دارد، اما برخلاف انتظار، همسرش را فردی بسیار صبور و حتی توانمندتر از خود یافت. تا آنجا که گاه خود را فراموش می‌کرد و بخاطر دیگران خود را نادیده می‌گرفت: «يَخَافُ عَلَيْهَا مِنْ صُعُوبَةِ هَذَا الْعَيْشِ يُجَاوِلُ تَجْنِيهَا مَشَقَّةً مَا اسْتَطَاعَ ثُمَّ وَجَدَهَا أَكْثَرَ قَدْرَةً مِنْهُ، فَرَغِبْتُهَا فِي الْعَطَاءِ وَتُكْرَاهَا لِذَاتِهَا يَجِدُهُ أَشَدَّ مَنْ تُكْرَاهِي لِذَاتِهِ» (همان: ۱۲۵). افزون بر این توصیفات مستقیم، نویسنده گاه با تصویر حوادث و در جریان روایت وقایع داستان و ترسیم کنش‌های أم یاسر، این بخش از شخصیتش را به‌صورت غیرمستقیم تبیین می‌کند؛ به‌عنوان مثال، زمانی که به‌واسطه شرایط سخت اقتصادی در خانه چیزی جز نان و چای یافت نمی‌شد، نشان می‌دهد که او علی‌رغم داشتن فرزندان کوچک چگونه در برابر سختی‌ها شکیبایی کرده و با قدرت ایمان مشکل را حل می‌کند.

۳-۲. ویژگی‌های اجتماعی

۳-۲-۱. علاقه به خانواده

یکی از مؤلفه‌های اجتماعی حوزه زنان، خانواده محوری آنان است. نقش زن در این نهاد نقش محوری و زیربنایی در تضمین سلامت اعضای آن است. یقیناً زنان عنصر اصلی و قوام‌دهنده هستند و در به‌کمال رساندن اعضای خانواده، نقش زنان بی‌بدیل است. از این رو بخش عظیمی از شخصیت انسان، در خانواده و تحت تأثیر والدین؛ به ویژه مادر شکل می‌گیرد. سهام در خانواده‌ای اصیل و پدر و مادری سختکوش و فداکار رشد می‌یابد و در دل سختی تربیت می‌شود. خصوصیتی که پایه و اساس شخصیت او را پیریزی می‌کند. مهر و عطوفت مادری و خستگی‌ناپذیری او صفاتی است که نویسنده با پس‌نگری و در خلال یادآوری خاطرات گذشته سهام از مادرش به تصویر می‌کشد:

«الحنانُ الفائضُ یحتلُّ الملامحَ دوماً. لا تتذکَّرُ سهامُ متى تَغضبُ امها رغمَ المشاغبات... یستغربُ الکبائرُ مِنَ الرِّجالِ والنِّساءِ تلكَ الظاهرةَ العجیبةَ فی طبیعةِ امها... ما رأَت امها تَسْتريحُ، تَسْتفیقُ سهامُ والام غارقةً فی العَمَلِ وتنام والام علی حالها متى كانت تنام امها ومتى تَسْتريحُ؟» (همان: ۳۱). پرورش در دامن چنین مادری است که از او شخصیتی مهربان و عطوف نسبت به همسر و فرزندان و حتی مردمان سرزمین خود و دیگر مسلمانان می‌سازد. انسانی که همواره با عطوفتی مادرانه به دنبال تامین آرامش و آسایش روحی و فکری دیگران است. در حوزه مسائل خانوادگی عشق به همسر نمود بارز شخصیت اوست. در واقع عاطفه و محبت بهترین عامل استحکام و بقای خانواده است و به همین علت است که در آموزه‌های دینی بسیار توصیه شده همسران به یکدیگر اظهار محبت کنند و این محبت را آشکار سازند. البته اظهار محبت سهام به همسر نه از سر وظیفه و تکلیف، که امری درونی و فطری است. نویسنده با تصویر حالت‌های درونی سهام و عملکرد او در زندگی روزمره؛ انتظار بی‌صبرانه او برای حضور سید و استقبال مشتاقانه از او، غیرمستقیم شدت علاقه او را به همسر توصیف می‌کند: «بَاتَ تَعْلُقُهَا بِحُضُورِهِ یَحْتَلُّ مَسَاحَةً وَجَدَانَهَا، تَنْتَظِرُهُ بِکَلِّ شَغْفٍ، صَوْتُ مَفْتَاحِهِ.. هُوَ أَجْمَلُ الْأَصْوَاتِ وَقَعاً عَلَی مَسَامِعِهَا فَتَتَرَكُّ مَا فِی يَدِهَا وَتَرَكُضُ عِبْرَ الْمَمْرِ إِلَيْهِ» (الامین، ۲۰۰۰: ۱۱۵). رابطه سهام و سید تجلی (جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً) است. در زندگی او هر سختی و دشواری با حضور سید از بین می‌رود و هیچ چیز جایگزین عدم حضور و غیبت او برای سهام نمی‌شود: «لَا یَعْنِي شَيْئاً إِذَا مَا قُورِنَ بَغِيَابِ السَّيِّدِ عَبَّاسٍ. ابْتِسَامَتُهُ قَادِرَةٌ عَلَی مَحْوِ کُلِّ شَيْءٍ، حُضُورُهُ الْجَمْرُودُ، صَوْتُهُ یَکْفِي...» مودتی که روزبه‌روز بیشتر می‌شود: «فَمَوَدَّةُ الْجَعْلِ الْکَرِيمِ کَانَتِ تَنْمُو تَنْمُواً عَجِیباً، لَقَدْ احْتَوَتْ مَنَزَلَهَا کُلَّهُ؛ بَلْ صَارَ اکْبَرَ مِنْ بَيْتِهَا وَ الْبَيْتُ ضَمْنَهَا، الی کُلِّ مَکَانٍ امْتَدَّ أَثَرُ مِنْهُ وَفِيضٌ» (همان: ۱۶۶). سهام، ابراز محبت به همسر را مسئله‌ای آسمانی می‌داند و تحت تأثیر باورهای دینی، آن را جهاد زن در راه خدا تلقی می‌کند: «جِهَادُ الْمَرْأَةِ عَطَاءٌ وَحُبٌّ جُبِلَتْ عَلَیْهِ أَصْلًا وَخَلَقَةً، هُوَ فِی رَأْيِهَا لَا یَحْتَاجُ إِلَّا إِلَى إِطْلَاقِهِ، حُبٌّ مِنَ السَّمَاءِ کَامَطَارِهَا» (همان: ۱۶۷). عشق و علاقه سهام به همسر، او را به وادی همراهی با او در تمام زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و حتی نظامی سوق می‌دهد به گونه‌ای که ممانعت سید را محرومیت خود تلقی می‌کند و همراهی با همسر بر عشق او می‌افزاید: «يُؤَلِّمَهَا كَثِيراً مَنْعُهَا مِنَ الْمَشَارَكَةِ لِأَنَّ هَذَا الْمَنْعَ حُبًّا وَحِمَايَةً تَرَاهُ جَرْمَانًا وَمَا كَانَ لِیَحْرَمَهَا، شَارَكَهَا فِی کُلِّ شَيْءٍ، فِی خُطُوَاتِهِ وَفِی الدَّرَبِ الَّذِي اخْتَارَهُ، سَارَتْ مَعَهُ وَإِلَى جَانِبِهِ لَمْ

تتخلف عنه...» (همان: ۱۲۶). این توصیف از احساسات و اندیشهٔ أم یاسر، تعبیری غیرمستقیم از بیان عشق وافر او به همسر است.

عشق و مهر مادرانهٔ سهام به فرزندان نیز تصویرگر بخشی از شخصیت اوست. این جنبه نیز برگرفته از نگاه دینی و اعتقادی او به موضوع است. مادری از دید سهام، وسیلهٔ تقرب به خداوند و مشمول اجر و پاداش الهی است؛ از این رو با تمام وجود محبت خود را تقدیم فرزندان می‌کند. نویسنده با توصیفات مستقیم، دیدگاه او را دربارهٔ مادری چنین تبیین می‌کند: «سمية التي شاهدت فيها سهام دفعاً كبيراً للتقرب، في كلِّ ما قرأته عن الامومة في الإسلام، عن نواجها والأجر الجزيل لكلِّ ما تحتاجه الامومة من جهد كبير وعاطفةٍ لامثيل لها. فرحت بذلك سهام وأرادت أن تستمره بكامله...» (همان: ۱۴۷). او با به دنیا آمدن فرزند دوم نیز علی رغم سنگینی مسئولیت بیرون از خانه، با همان نگاه دینی، وظیفهٔ اصلی خود را در خانه جستجو می‌کند و آن را فرصتی برای عبادت و بندگی می‌داند و تمام تلاش خود را برای فراگرفتن و افزودن دانسته‌های خود برای مادری به کار می‌گیرد: «وَلَدَهَا الثَّانِي، السَّبِيلُ الْجَدِيدُ لِلتَّقَرُّبِ، مَهْمَةٌ أُمُومَةٍ ثَانِيَةٍ وَفُرْصَةٌ تَقَرُّبٍ جَدِيدَةٌ تَحْرُصُ عَلَى حَمَلِهَا بِأَحْسَنِّ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ، عِبَادَةٌ تَكُونُ خَالِصَةً صَافِيَةً لَوْجِهِهِ الْكَرِيمِ... تَقْرَأُ مِنْ أَجْلِهِمَا وَتَتَعَلَّمُ مَا لَا تَعْرِفُهُ فِي الطَّبِّ وَالتَّرْبِيَةِ وَالأُمُومَةِ...» (همان: ۱۴۹). این علاقه و محبت مادرانه سهام را او می‌دارد علی‌رغم بیماری فرزند و آزار و اذیت‌های او در خانه و باوجود توصیهٔ اطرافیان به سپردن او در مدارس خاص، سختی و دشواری نگهداری فرزند را بپذیرد؛ چرا که معتقد است: هو حبيب الله (همان: ۲۳۲). نمونهٔ عینی و عملی محبت مادرانهٔ أم یاسر را در برخورد با فرزندش محمد می‌توان دید، وقتی به واسطه مشکل جسمی و ذهنی آشپزخانهٔ منزل را به هم می‌ریزد، مادر با نگاه انسانی والهی به جای عکس‌العمل منفی نگاهی مثبت به موضوع داشته و آن را کمک محمد به خود تلقی می‌کند.

۳-۲-۲. دستگیری از دیگران

تلاش و همت أم یاسر تنها محدود به خانواده نمی‌شود. او برای کسانی که در شهر و محله و کشورش زندگی می‌کنند، از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند. بخشش و رفع نیاز مالی آنها، بخشی از این تلاش‌ها بود. کمک به دیگران در نگاه دو همسر انقلابی، نعمتی بزرگ محسوب می‌شود؛ چراکه آنان چیزی از دست نمی‌دهند، بلکه با بخشش به دیگران، سود می‌کنند، تعبیری که نویسنده مستقیماً آن را روایت می‌کند: «كِلَاهُمَا كَانَا

يَعْتَبِرَانِ الْعَطَاءَ وَجَهًا مِنْ وُجُوهِ الْأَخْذِ، هِيَ تُفَكِّرُ كَمَا يُفَكِّرُ وَيَقُولُ: أَنْ تَتَمَكَّنَ مِنَ الْعَطَاءِ فَتَلْكَ نِعْمَةٌ كُبْرَى» (همان: ۱۲۶). نمود عینی این بُعد از شخصیت را در کنش‌ها و گفتگوهای آنان در جریان حوادث می‌توان دید، زمانی که در خانه تنها حدود دو دینار بیش ندارند، اما کریمانه آن را عطا می‌کنند (همان: ۱۲۷).

تأثیر سید در نگاه و فکر أم یاسر و آموخته‌های او از بنت‌الهدی موجب می‌شود تا در کنار زندگی شخصی، توجه به امور مردم را مسؤلیت مهمی برای خود بداند. او در همه چیز خدا را جستجو می‌کند. از نظر أم یاسر رسیدگی به حال مردم نزدیک‌ترین راه تقرب به خداست. به آنان عشق می‌ورزد و با محبت خالصانه هر آنچه را دارد به آنان عرضه می‌کند: «مُهْمَةٌ خَلِيلَةٌ لَنْ تَتَخَلَّى عَنْهُ وَهِيَ الْإِهْتِمَامُ بِالنَّاسِ، الْإِهْتِمَامُ بِعِيَالِ اللَّهِ هُوَ أَقْرَبُ الطَّرِيقِ إِلَيْهِ» (همان: ۱۷۷). در بسیاری از موارد، دیگران را بر خود و خانواده‌اش ترجیح می‌دهد؛ بخصوص در مواجهه با خانواده شهیدان، عشق و دلسوزی او بیشتر می‌شود: «حُبُّهَا لِعَوَائِلِ الشُّهَدَاءِ لَا يُدَانِيهِ حُبٌّ، تُعَامِلُهُمْ بِقِدَاسَةِ تَبَرُّكُ بَصْعَارِهَا...» (همان: ۲۴۱). دستگیری از دیگران تنها در مشکلات مالی نیست؛ مشکلات خانوادگی، فکری و اخلاقی نیز أم یاسر را وا می‌دارد تا برای حل مشکل دیگران راه‌حلی اندیشه کند. جهل مردم به تعالیم دینی و اسلام او را دردمند می‌سازد؛ لذا برای زدودن این جهل از جامعه بخصوص قشر زنان تمام تلاش خود را صرف می‌کند. نویسنده در این بخش با استفاده از تکنیک مونولوگ و گفتگوی درونی، از دغدغه ذهنی و درونی أم یاسر سخن می‌گوید: «اهْتَمِّي بِشُؤْنِ النَّاسِ وَشُخُوضِهِمْ، بِمَشَاكِلِهِمْ وَالْحُلُولِ. وَهَذَا الدِّينُ أَضْحَى مَجْهُولًا لَا يَعْرِفُ الْمُسْلِمُونَ عَنْ دِينِهِمْ إِلَّا الْقَلِيلَ عِلْمِي النَّاسَ يَا ام يَاسِر... أَنْ حَاجَةَ النِّسَاءِ أَشَدُّ مِنْ حَاجَةِ الرِّجَالِ لِلتَّبْلِيغِ» (همان: ۱۵۴).

در باور أم یاسر، زنان تربیت‌کننده و سازنده نسل آینده بشر هستند و تأثیرگذاری آنها بر جامعه بیش از پدر است. خانواده، هسته اصلی و اولیه شکل‌گیری شخصیت انسان است: «النِّسَاءُ أَوْلَى وَأَكْثَرُ حَاجَةٍ، الْمَرْأَةُ فِي رَأْيِهَا أَهْمٌ وَأَوْلَى فِيهِ الْمَرْئِيَّةُ وَهِيَ الْأُمُّ» (همان: ۱۷۸). توجه به مسائل و دغدغه‌های زنان و آگاهی بخشی به آنان بیشتر همت أم یاسر در زندگی‌اش است. حل مشکلات خانوادگی و راهنمایی آنان را وظیفه خود می‌داند تا آنچه را خود در زندگیش آموخته به آنها ارائه کند: «إِلَى كَمٍ مِنَ النِّسَاءِ قَالَتْ ام يَاسِر: ابْحَثِي عَنْ عِلَاجٍ لِتِلْكَ الْمَشْكَالَاتِ وَ أَنَا أَسَاعِدُكَ. تَرِيدُ هُنَّ أَنْ يَبْحَثْنَ عَنْ حُلُولٍ غَيْرِ تِلْكَ الشُّكُوعِ الْعَقِيمَةِ» (همان: ۱۶۸). اما فراتر از مسائل خانوادگی، أم یاسر عنایت و توجه بسیاری به

علم و معرفت زنان جامعه لبنان دارد. او دوشادوش سید با درک نیاز شدید زنان به آگاهی، به دنبال تحول فکری زنان لبنان است تا زمینه‌های انقلاب فکری را در آنان فراهم سازد. او در حوزه معرفتی زنان به شدت احساس کمبود می‌کند: «تَرَى النِّقْصَ هَائِلًا وَعَمِيقًا فِي مَعْرِفَةِ الْإِسْلَامِ اخْلَاقِهِ وَعُلُومِهِ الدِّينِيَّةِ» (همان: ۱۷۸). افزون بر این توصیفات، کنش أم یاسر در سیرحوادث، تلاش مجدانه او در برپایی حوزه خواهران در لبنان و عراق به خوبی نشان‌دهنده جایگاه آگاهی‌سازی زنان در باور او دارد.

۳-۲-۳. حضور در جبهه مقاومت و دفاع از کشور

در صحنه سیاسی و عرصه بین‌المللی نام لبنان با حزب‌الله و مقاومت اسلامی گره خورده است؛ لذا تردیدی نیست که یکی از جنبه‌های برجسته شخصیت‌هایی چون أم یاسر ارتباط آنها با این جریان باشد. «مبارزه و مقاومت، امدادگری و پشتیبانی، دادن روحیه و صبر و شکیبایی از مهم‌ترین کنش‌های قشر زنان» (سلیمانی، ۱۳۸۰: ۱۷) در جریان جنگ و دفاع از کشور به شمار می‌آید. زندگی أم یاسر در کنار سید عباس موسوی بیش از هر چیز موجب پیوند او با جبهه مقاومت اسلامی و جریان مبارزه و ایستادگی لبنان در مقابل رژیم صهیونیستی می‌شود. حضوری که با افزایش فعالیت‌های سیاسی و نظامی سید و تعیین او به‌عنوان دبیرکل حزب‌الله، زندگی أم یاسر را نیز بیش از پیش تحت تأثیر قرار می‌دهد. او به سید نه به نگاه یک همسر، بلکه به‌عنوان مرشد و راهنمای خود می‌نگرد و در هر شرایطی حتی مسائل سیاسی او را همراهی می‌کند. این مضامین را در تعبیر و توصیفات مستقیم نویسنده می‌توان یافت: «تَعَلَّمَتِ الْخَوْضَ فِي السِّيَاسَةِ وَمُتَابَعَةَ مَجْرِيَاتِهَا خَاصَّةً فِي لُبْنَانَ وَمَحِيطِهَا عَبْرَ السَّيِّدِ عَبَّاسٍ، تَتَكَشَّفُ لَهَا تِلْكَ الدَّهَالِيزُ وَأَسَالِبُ الظُّلْمِ... وَعَبْرَهُ عَرَفَتْ عَنِ فِلَسْطِينَ أَكْثَرَ وَعَنِ تِلْكَ الدَّوْلَةِ الْعُنْصَرِيَّةِ الشَّرْسَةِ» (همان: ۱۵۹). گاه این مشارکت در مسیر مقاومت با به تصویر کشیده شدن او در سفرهای سید و یا به میدان مبارزه فرستادن فرزند به میدان مبارزه روشن می‌شود. شخصیت بنت‌الهدی خواهر شهید صدر که در جریان مبارزات سیاسی خود با نظام ظالم عراق به شهادت رسید، نیز در آشنایی و مشارکت او با جریان مقاومت تأثیرگذار است. ارتباط با انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی در شکل‌گیری شخصیت انقلابی أم یاسر تأثیر عمیقی به جا می‌گذارد. او خود را جزئی از انقلاب ایران می‌داند و ارادت خاصی به امام دارد. سفر او به ایران و دیدار با امام، نشان از ارتباط عمیق او با انقلاب دارد: «تَشْعُرُ بِالِانْتِمَاءِ لِهَذَا الْفِكْرِ الثَّوْرِيِّ، الْمُؤْمِنُ بِالْقُدْرَةِ عَلَى التَّغْيِيرِ تَشْعُرُ بِأَنَّهَا جَزْءٌ مِنْ تِلْكَ الثَّوْرَةِ وَ تَحْمِلُ لَوَائِهَا أَيْنَمَا حَلَّتْ»

(همان: ۱۸۶). با این تجربه و پشتوانه فکری، ام یاسر وارد میدان مبارزه می‌شود تا با استفاده از ظرفیت تأثیرگذاری‌اش بر مخاطبان و علاقه آنها به خود، با سلاح آگاهی و معرفت، آنها را با مقاومت اسلامی لبنان و اهداف و رسالت‌های آن آگاه سازد، در شرایطی که جامعه لبنان را به دور از جریان مقاومت می‌بیند که حتی باوری به مقاومت و تحقق آرمان‌های اسلامی ندارد: «تُحَدِّثُ النَّاسَ عَنِ الْمُسْتَقْبَلِ الْمَظْلَمِ بِالْمَقَاوِمَةِ وَأَنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ... لَمْ تَتْرَكَ مَكَانًا إِلَّا وَذَهَبَتْ إِلَيْهِ مُؤْمِنَةً وَاتَّقَهُ عَنِ حَقِّ وَصِدْقٍ بِمَا تَقَوْمُ بِهِ» (همان: ۲۱۶).

علاوه بر تلاش‌های ام یاسر در جبهه فرهنگی و آگاه‌سازی اقشار مختلف جامعه بخصوص زنان، در عرصه عمل و مساعدت‌های مالی نیز از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند و گاه از آسایش زندگی خود برای حمایت از مقاومت هزینه می‌کند. نویسنده به شیوه غیرمستقیم به توصیف این مشارکت می‌پردازد: «سَعَتِ إِلَى دَعْمِ الْمَقَاوِمَةِ، تَبَرَّعَتْ بِمَا تَسْتَطِيعُ الْإِسْتِغْنَاءَ عَنْهُ فِي مَنْزِلِهَا حَتَّى أَدْوَاتِ الْمَطْبِخِ، الْأَدْوَاتِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ الَّتِي تَسْتَطِيعُ الْإِسْتِغْنَاءَ عَنْهَا بِالْعَمَلِ يَدْوِيًّا» (همان: ۲۱۶). با اوج‌گیری حوادث لبنان و ترور شخصیت‌ها، فعالیت ام یاسر نیز در حمایت و مشارکت در جبهه مقاومت جلوه دیگری می‌گیرد و اولین اولویت و هدف زندگی او می‌شود؛ تا آنجا که نام او در اذهان در کنار جبهه مقاومت حزب‌الله قرار می‌گیرد: «بَدَأَ اسْمُهَا يَزِدَادُ حُضُورًا كَمُقَاوِمَةِ إِسْلَامِيَّةٍ تَأْخُذُ مَكَانَهَا فِي الصَّرَاحِ فَاعِلَةٌ قَوِيَّةٌ مَهَابَةٌ». این حضور و فعالیت، آمادگی‌های نظامی را نیز برای او امری ضروری می‌سازد: «تَعْرِفُ كُلَّ شَيْءٍ عَنِ الْمَقَاوِمَةِ وَ تَدْرِيَتْ حَتَّى عَلَى السَّلَاحِ» (همان: ۲۱۷). او نیز چون همسرش مقاومت را تنها راه حل مشکلات و حتی نزاعات داخلی می‌داند. ایمان محکم ام یاسر به مقاومت موجب می‌شود شرایط دشوار، نه تنها او را از هدفش باز ندارد، بلکه حمایتش را از مقاومت بیشتر کند: «يَشْتَدُّ تَعَلُّقُ ام يَاسِرَ بِالْمَقَاوِمَةِ كَلَّمَا اشْتَدَّتِ الضُّغُوطُ دَاعِمَةٌ وَمُنَاصِرَةٌ فِي كُلِّ فِعْلٍهَا وَ الْقَوْلِ» (همان: ۲۱۹).

حمایت ام یاسر از جبهه مقاومت ناشی از تربیت دینی و عمق اندیشه و باورهای اسلامی اوست. در اندیشه و تربیت او لبنان تجسمی از صحنه کربلا بود و مجاهدین مقاومت، پیروان امام حسین در دنیای معاصر. نویسنده در این بخش با ترسیم دنیای ذهن و درون و توصیف اعتقادات او، شخصیت شکل گرفته ام یاسر را روشن‌تر می‌کند: «لَهُمْ كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَ ام يَاسِرَ، هُمْ عِنْدَهَا أَصْحَابُ الْحُسَيْنِ الْمَعَاصِرِينَ، هَكَذَا كَانَتْ تَرَاهُمْ، وَ تَرَى نَفْسَهَا خَادِمَةً زَيْنَبِ تَرَى بِأَمِّ عَيْنِهَا كَرْبَلَاءَ الَّتِي تَنْتَصِرُ بِفَضْلِ الْمُجَاهِدِينَ» (همان: ۲۲۱). این عشق

متعالی او به اصول مقاومت باعث می‌شود تا در راه جهاد، از عزیزان خود بگذرد و علی‌رغم عواطف مادری، فرزندش را در صف مجاهدان حزب‌الله قرار دهد و مبارزه و جهاد را آینده روشن او بداند. حضور أم یاسر در حزب‌الله به قبول مسئولیت در آن می‌انجامد و او عهده‌دار ریاست انجمن امداد وابسته به حزب‌الله می‌شود که وظیفه رسیدگی به خانواده‌های شهدا و خانواده‌های کم بضاعت را بر عهده داشت. این شیفتگی و علاقه به جریان مقاومت در أم یاسر چنان اوج می‌گیرد که در کنار ریشه‌های تربیتی از او زنی عاشق شهادت می‌سازد. البته در ابتدا آنچه شهادت طلبی را در وجود او متبلور می‌سازد علاقه وافرش به سید عباس است که توان تحمل شهادت او را در خود نمی‌بیند و برای خود آرزوی شهادت پیش از او را دارد. شهادتی که برایش بزرگ‌ترین هدیه الهی محسوب می‌شود: «كَانَتْ نُقْطَةً خِلَافَهُمَا الْوَحِيدَةَ يُعَاتِبُهَا كَيْفَ تَدْعُو لِنَفْسِهَا بِالشَّهَادَةِ وَلَا تَدْعُو لَهُ بِذَلِكَ وَهِيَ تَعْلَمُ شِدَّةَ شَوْقِهِ وَحُبَّهُ لِتِلْكَ الْمَنْحَةِ وَالْمَهْدِيَةِ الرَّيَانِيَةِ الْعَظِيمَةِ» (همان: ۲۳۴). با گذشت زمان نگاه او به شهادت عمیق‌تر و عارفانه‌تر می‌گردد. اگرچه همچنان تعلق خاطر او به همسرش وجود دارد، اما شهادت را راه وصال به محبوب حقیقی می‌داند و از شایستگی خود برای رسیدن به این مقام در تردید است: «هَلْ هِيَ عَلَى مَقَرَّةٍ مِنَ الْوُصُولِ، أَمْ أَنْ هُنَاكَ مَا زَالَ فِي الدَّرَبِ مَسَافَةٌ» (همان: ۲۳۴). رشد روحی و سیر مدارج معرفت و اشتیاق به وصال و شهادت، أم یاسر را به جایگاهی می‌رساند که دلدادۀ شهادت می‌شود. این سوز به وصال را نویسنده به خوبی با استفاده از تکنیک مناجات (گفت‌وگوی یک طرفه) به تصویر می‌کشد. او با خدای خود نجوا می‌کند و چون عارفی سالک از سوز فراق ناله سر می‌دهد و در طلب وصال می‌سوزد: «حَتَّى مَتَى مَوْلَايَ، مُنْذُ عُبُورِي إِلَى ضَفَّتِكَ وَأَنَا فِي مَسْعَايِ الْوَالِهِ ذَاتِهِ، لَسْتُ أَعْلَمُ كَمْ قَطَعْتُ، وَأَعْلَمُ أَنَّ الرَّاحِلَ الْيَكَّ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ، لَكِنَّهُ شَوْقِي الْيَكَّ سَيِّدِي، هُوَ الَّذِي يَجْعَلُ الْمَسَافَةَ تَطَوُّلٌ وَإِنْ قَصُرَتْ، هِيَ أَطْوَلُ مِنْ قُدْرَتِي عَلَى الْإِحْتِمَالِ، لَقَدْ أَضْنَانِي شَوْقِي وَالْمَسَافَةُ مَوْلَايَ وَبْتُ أَنْ لَّا مِنْ تَعْبِي فَلَيْسَ أَلْذُّ مِنْ تَعْبِي الْيَكَّ، لَكِنِّي مُذْ وَجَدْتُكَ مَا عُدْتُ أَطِيقُ بَعْدًا سَيِّدِي، مَتَى تَفْتَحُ بَابَكَ الْعُلُوِي مَوْلَايَ؟...» (همان: ۲۴۷). سیر حوادث و حضور فعالانۀ أم یاسر در بخش‌های پایانی روایت در جریان مقاومت، شخصیت مبارز او را برجسته می‌سازد؛ گویی آنچه پیش از آن آمده تنها مقدمه‌ای برای رسیدن به این مقصد و نهایت است.

۴. نتیجه

بررسی محتوایی در کنار نگاه به ساختار روایت، نشان می‌دهد نویسنده بیش از توجه به ساختار، معنا محوری را رویکرد خود قرار داده و به دنبال انتقال مفاهیم و اندیشه‌های خود است؛ لذا خود را در چارچوب محدودیت‌های ژانری چون رمان حصر نکرده و ترسیم شخصیت و تصویر ویژگی‌های او را اولویت داستان‌نویسی خود قرار داده است.

انتخاب و گزینش نویسنده از زندگی شخصیت، به خوبی نقطه اتکا و زوایه دید او را مجسم می‌کند. آغاز روایت از آشنایی و همراهی شخصیت داستان با چهره بارز و برجسته جبهه مقاومت اسلامی لبنان یعنی سید عباس موسوی، نشان می‌دهد محور اصلی و نقطه برجسته روایت، ترسیم بخشی از جریان مقاومت و تصویر زندگی زنان و مردان مجاهد لبنانی است؛ از این رو بخش بیشتر روایت به تبیین این بعد از شخصیت ام یاسر به‌عنوان یکی از زنان تأثیرگذار در جریان مقاومت اسلامی اختصاص یافته است هرچند از شاخصه‌های فردی و معنوی او نیز غافل نمانده است و از پشتوانه‌ها و زمینه‌های فکری و تربیتی شخصیت او سخن می‌گوید، امری که وی را مهیای حضور و مشارکت در جریان مقاومت ساخته است. لذا برجسته‌ترین محتوای داستان، ترسیم مقاومت اسلامی مردم لبنان است و تمام آنچه از ابتدا بیان شده تنها مقدمه‌ای برای ورود به این بخش مهم و تأثیرگذار از زندگی شخصیت است. آنچه از ام یاسر در جریان حوادث ترسیم می‌شود از او چهره و الگویی کامل و معاصر از زن کامل را ارائه می‌دهد که عارفانه و عاشقانه و جهادگرانه زندگی می‌کند.

از نظر ساختاری همان‌طور که نویسنده خود اذعان کرده است، نمی‌توان تمام عناصر روایت را به تمام و کمال در داستان دید، هرچند روایت از عناصری چون طرح و پیرنگ، شخصیت‌پردازی و گفت‌وگو بهره‌مند است، اما در زمینه زاویه دید و یا روایتگری داستان اغلب خود به‌صورت مستقیم وارد شده و حوادث و جریانات را روایت می‌کند؛ لذا شیوه غالب شخصیت‌پردازی، توصیف مستقیم بوده اما استفاده از کنش شخصیت‌ها و انواع گفت‌وگو اعم از دیالوگ و مونولوگ نیز از جمله تکنیک‌های نویسنده برای تنوع سبک روایی و پیشبرد حوادث است.

منابع

- الامین، عبدالقدوس، *الوصول*، لبنان، دار الولا، ۲۰۰۰.
أبو حاقه، احمد، *الالتزام في الشعر العربي*، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۷۹.

ابن عبدالعزیز، فؤاد بن عبدالکریم، *قضايا المرأة في المؤتمرات الدولية*، المملكة السعودية، د.ت. اسماعیل، عزالدین، «ادب المقاومة العربية»، *الأداب*، السنة السابعة عشرة، العدد ۳، صص ۱۷-۱۸، ۱۹۶۹. حکیم، عفاف، «المسلمة بين الثورة الاسلامية و المقاومة الاسلامية»، *المنطلق*، العدد ۲۹، صص ۲۳-۳۰، محرم ۱۴۰۶.

خطیب، حنیفة، *تاریخ تطور الحركة النسائية في لبنان*، بیروت، دارالحدائث، ۱۹۹۶. رحماندوست، مجتبی، «رمان مقاومت، منابع، مضامین و بایدها»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ش ۱۵۶، صص ۴۶۵-۴۸۵، ۱۳۷۹.

ریمون-کنان، شلومیت، *روایت داستانی، بوئیقای معاصر، تهران، نیلوفر*، ۱۳۸۷. سلیمانی، بلقیس، «زن در داستان‌های جنگ»، *ادبیات داستانی*، دوره جدید، شماره اول، ش ۵۵، صص ۲۰-۱۶، ۱۳۸۰.

کیانی، مریم و اکرم روشنفکر، *مقاومت اسلامی لبنان از سلاح تا قلم*، تهران، کتیبه گیل، ۱۳۹۴. ملا ابراهیمی، عزت و اکرم روشنفکر، «نگرشی بر حضور زنان لبنانی در عرصه فرهنگی»، *پژوهش زنان*، دوره ۱، ش ۲، صص ۱۰۷-۱۱۸، ۱۳۸۸.

ملاجعفر، معصومه، «بررسی جلوه‌های رمانتیسیم در مجموعه داستان‌های قلم رصاص»، *پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات عربی*، استاد راهنما محمدرضا خضری، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۳. مرادی، حجت‌الله، «نقش زنان مسلمان در بحران‌های مسلحانه»، *مطالعات فرهنگی - دفاعی زنان*، سال اول، ش ۱، صص ۸۳-۱۱۴، ۱۳۸۴.

موحدی، راحله، «زنان در پی امتیازهای بیشتر»، *روزنامه اعتماد*، ص ۱۴، ش ۳۱ / ۴ / ۱۳۸۸. نصیحت، ناهید، «نشانه- معنانشناسی ساختار روایی داستان وما تشاؤون بر اساس نظریه گریماس»، *نقد ادب معاصر عربی*، سال دوم، ش ۳، صص ۳۹-۶۴، ۱۳۹۱.

«زنان لبنان، فعال در اجتماع، دور از سیاست»، *ندا*، ش ۱۹ و ۲۰، ۱۳۷۵.

<http://www.ensani.ir/fa/content/284140/default.aspx>